A Phenomenological Study: The Dual-Career Couples Narrative from the Children Dimension in Family Function

Rohollah Rahimi: PhD student of counseling, department of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. rohollah_rahimi@atu.ac.ir

Hossien Salimi Bajestani*: Associate professor of counseling, department of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. h.salimi.b@gmail.com

Kiumars Farahbakhsh: Associate professor of counseling, department of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. kiiumars@yahoo.com

Mohammad Asgari: Associate professor of psychology, department of evaluating and measuring, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. drmasgari423@gmail.com

Abstract

Introduction: Family function has been changed by the couple's simultaneous employment and presents particular problems ahead of them. The children dimension is one of the dimensions that strongly influences the family function. The purpose of this study was to extract the lived experience of the dual-career couple from the influence of the children dimension on family functioning.

Methods: This research approach was qualitative interpretative phenomenological analysis and done in Nourabad, Lorestan. In this study, two groups of twelve dual-career couples with and without marital conflicts were selected by snowball sampling through purposeful sampling and interviewed for a period of four months (November to February 2018-2019). Interviews were analyzed using the Diekelmann, Allen, Tanner method, which is team-based and is common in interpretive phenomenology.

Results: The analysis of the data resulted in the identification of two main themes including healthy functioning (with sub-themes: positive functions for children, interactive parenting, and professional parenting) and unhealthy functioning (with sub-themes: negative functions for children, confrontational parenting, perilous parenting, and childbearing as a threat).

Conclusions: The findings of this qualitative study, identifying the positive and negative factors affecting the dimension of children in family functioning of working couples, can provide the basis for developing educational programs and packages to reduce the effects of parenting injuries on this lifestyle. It is suggested that the findings of this qualitative study be used by clinicians, counselors, and psychiatrists working with couples for prevention and education.

Keywords

Lived Experiences

Dual-Career Couples

Family Function

Children

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 07 Dec 2019
Accepted: 31 Jul 2020

Please cite this article as follows: Rahimi R, Salimi Bajestani H, Farahbakhsh K, and Asgari M. A phenomenological study: the dual-career couples narrative from the children dimension in family function. Quarterly journal of social work. 2019; 9 (2); 34-47

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

[DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

یک مطالعه پدیدارشناسانه: روایت زوج‌های شاغل از بُعد فرزندان در عملکرد خانواده

روح اله رحیمی: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. rohollah_rahimi@atu.ac.ir
حسین سلیمی بجستانی*: دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. h.salimi.b@gmail.com
کیومرث فرحبخش: دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. kiiumars@yahoo.com
محمد عسگری: دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. drmasgari423@gmail.com

چکیده

مقدمه: عملکرد خانواده به‌وسیله اشتغال همزمان زوجین دستخوش تغییراتی شده مشکلات خاصی را برای آنان ایجاد می‌کند. از جمله ابعادی که عملکرد خانواده زوجین شاغل را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بعد فرزندان است. هدف پژوهش، استخراج تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده بود.

روش: این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری در شهر نورآباد لرستان انجام شد. طی این مطالعه، با بهره‌گیری از نمونه‌گیری گلوله برفی، دوازده زوج شاغل دارای رضایت زناشویی و دوازده زوج شاغل دارای تعارضات زناشویی را با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و طی بازه زمانی چهار ماهه از آبان ماه تا بهمن ماه ۱۳۹۷ مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها با استفاده از روش دیکلمن، آلن و تانر که دارای ماهیت تیمی و در پدیدارشناسی تفسیری مرسوم است، تحلیل شدند.

نتایج: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها منجر به شناسایی دو درون مایه اصلی شد که شامل -عملکرد سالم با درون مایه‌های فرعی: کارکردهای مثبت برای فرزندان، فرزند پروری تعاملی و فرزند پروری ماهرانه و -عملکرد ناسالم با درون مایه‌های فرعی: کارکردهای منفی برای فرزندان، فرزند پروری تقابلی، فرزند پروری مخاطره‌آمیز و فرزندآوری به مثابه تهدید می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این پژوهش با شناسایی عوامل مثبت و منفی موثر بر بعد فرزندان در عملکرد خانواده زوج‌های شاغل می‌تواند زمینه را برای تدوین برنامه‌ها و بسته‌های آموزشی جهت کاهش عوارض آسیب‌های فرزند پروری این نوع سبک زندگی مهیا کرد. پیشنهاد می‌شود یافته‌های این پژوهش کیفی توسط مددکاران اجتماعی، مشاوران و روانپزشکانی که با زوج‌های شاغل سر و کار دارند، جهت پیشگیری و آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

تجارب زیسته

زوج‌های شاغل

عملکرد خانواده

فرزندان

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

نحوه استناد به مقاله: روح اله رحیمی، حسین سلیمی بجستانی، کیومرث فرحبخش و محمد عسگری. یک مطالعه پدیدارشناسانه: روایت زوج‌های شاغل از بُعد فرزندان در عملکرد خانواده. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۹؛ ۹ (۲): ۴۷-۳۴

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

مقدمه

ظهور زوج‌های شاغل از مهمترین دگرگونی‌های اجتماعی در نهاد خانواده است.[۱و۲] از زمان مطالعات پیشگام راپاپورت و راپاپورت۱۹۷۱-۱۹۶۹ پدیده زوج‌های شاغل، توجه قابل ملاحظه‌ای را در روانشناسی و جامعه‌شناسی به خود جلب کرده است. این پژوهشگران زوج شاغل را به‌عنوان نوع خاصی از خانواده‌های هر دو کارمند-کارگر تعریف کرده‌اند که در آن هر دو عضو، شغل حرفه‌ای را دنبال کرده و در عین حال به‌طور همزمان زندگی خانوادگیشان را حفظ می‌کنند.[۳] با هر تغییر و تحولی در جامعه، دامنه‌ای از مزایا و محدودیت‌ها نیز ایجاد می‌شود. به همین ترتیب اشتغال همزمان زن و شوهر در خارج از خانه، علاوه بر مزایای اقتصادی برای خانواده، می‌تواند فشار بیشتری را بر زوجین در زمینه عملکرد خانواده وارد کند.[۲] خانواده مانند هر سیستمی از عناصری تشکیل شده که در تعامل با یکدیگرند و کارکرد مجموعه این عناصر، عملکرد خانواده شناخته می‌شود.[٤] بافت خاص اقتصادی-اجتماعی زوج‌های شاغل، آن‌ها را با چالش‌های متفاوتی نسبت به سایر زوج‌ها مواجه می‌کند. اضطراب و بار اضافی نقش در این نوع زوجین، فشار و استرس ناشناخته‌ای را برای خانواده ایجاد کرده و عملکرد آن را تحت تاثیر قرارداده است.[٥] عملکرد خانواده در خانواده زوج‌های شاغل یکی از نشانگرهای رفاه اجتماعی است که به واسطه آن می‌توان شیوع اختلالات در روابط زوج و خانواده را بررسی کرد.[٦] در حالی که زوج‌های شاغل برای خانواده‌ها و جامعه، مزیت‌های بسیاری در بردارند، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عملکرد خانواده این نوع زوج‌ها، به‌طور منفی تحت تاثیر قرار گرفته است.[۷و۸] یکی از ابعاد مهم در بررسی عملکرد خانواده این نوع زوجین، بعد فرزندان است. موضوع فرزندان چه فرزندان کنونی خانواده و چه تولد فرزندان جدید اغلب مشکلاتی را برای زوج‌های شاغل به وجود می‌آورد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند در سبک زندگی زوج شاغل مرحله‌ای وجود دارد که در آن تعادل بین مقتضیات کار و خانواده با مشکل مواجه می‌شود و آن مرحله، گفتگوی زوجی بر سر داشتن یا نداشتن فرزند است.[۹، ۱۰، ۱۱و۱۲] نگرانی زوج‌های شاغل در مورد فرزند، اغلب موجب می‌شود آن‌ها فرزندآوری را به‌دلیل شروع کار حرفه‌ای به بعد از سی سالگی موکول کنند.[۱۳] پژوهش‌ها نشان داده است که مراقبت از کودکان یکی از مهمترین زمینه‌های تعارض در بین زوج‌های شاغل است.[۱٤، ۱٥و۱٦] زوج‌های شاغلی که فرزند دارند به‌خصوص فرزندان کم سنتر، تنش‌ها و تعارضات بیشتری را در زندگی زناشویی نشان می‌دهند.[٥و۱۷] برخی مطالعات بر اثرات منفی سبک زندگی زوج شاغل بر فرزندان تاکید کرده‌اند. این مطالعات بیشتر بر نقش زنان شاغل متمرکز شده و ضمن مقایسه مادران شاغل و غیرشاغل، به کارکردهای منفی حضور نداشتن والدین در خانه، مثل کمبود روابط اجتماعی، محدودیت وقت رسیدگی به امور فرزندان، مشکلات تحصیلی، تنها ماندن فرزندان در خانه و مشکلات رفتاری آنان اشاره کرده‌اند.[۱۸، ۱۹و۲۰] مطالعات دیگری از آثار منفی اشتغال مادر بر وضعیت روان‌شناختی فراتر رفته‌اند. از آنجایی که مادران شاغل زمان کمتری برای نظارت بر فعالیت‌های روزانه فرزندان خود دارند، فرزندان آن‌ها بیش از کودکان مادران خانه دار از تلویزیون استفاده می‌کنند[۲۱] و دارای تمرکز کمتر بوده و از غذاهای فست فودی که سریعتر آماده می‌شوند، بیشتر استفاده می‌کنند، در نتیجه درصد بالاتری از آنان نسبت به فرزندان مادران خانه‌دار از وزن اضافی و در نتیجه مشکلات ارتباطی با دیگران و عزت نفس پایینتر برخوردارند.[۲۲] فرزندان این نوع خانواده‌ها به‌علت فشارهایی که والدین شاغل با آن مواجه می‌شوند، از خانواده گسترده و شبکه خویشاوندیشان بیگانه می‌شوند.[۲۳] پیچیدگی‌های مرتبط با فرزندان می‌تواند میزان تعارضات زناشویی و در نهایت طلاق را در میان زوج‌های شاغل افزایش دهد.[۲٤] البته گاهی پژوهش‌ها[۱۹، ۲٥، ۲٦، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰و۳۱] نه تنها این پیامدهای منفی را به‌دست نیاورده‌اند، بلکه پیامدهای مثبت متعددی از اشتغال همزمان زوج برای فرزندان از جمله تسریع مستقل شدن فرزندان، تقویت مسوولیت‌پذیری و اعتماد به‌نفس، بهبود سازگاری اجتماعی و روابط بین فردی و استفاده از مزایای مالی اشتغال والدین را نسبت به عدم اشتغال گزارش کرده‌اند. متخصصان در پی آن هستند که به زوجین شاغل کمک کنند تا با چالش‌های زندگیشان کنار آمده به گونه‌ای که بتوانند از جنبه‌های مثبت این نوع سبک زندگی لذت ببرند.[۳] زوج‌های شاغل برای دستیابی به سویه مثبت در ارتباط با فرزندان، نیازمند برنامه‌ریزی مناسب هستند.[۹] برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی زوج‌های شاغل برای هماهنگی در سبک فرزند پروری، استفاده از مراقب جایگزین، حمایت اطرافیان، مراقبت کیفی و مدیریت زمان می‌تواند زمینه را برای فرزند پروری مناسب در این نوع سبک زندگی تسهیل کند.[۱۹، ۳۲و۳۳] از طرف دیگر نداشتن برنامه‌ریزی و فقدان اولویت‌بندی زوجی از جمله استراتژی‌های ناهماهنگ و متناقض در فرزند پروری، کاهش حمایت‌های محیطی، اضطراب

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

والدین و عـدم مدیریت زمان می‌تواند ضمن ایجاد و تشـدید تعارضات میان زوج شـاغل، فرزندان را با خطرات جدی و پیامدهای منفی مواجـه کنـد.[۱۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶و۳۷] بررسـی پژوهش‌هـای پیشـین پیرامـون این موضوع نشان داد که تا کنون در ایران پژوهش کیفی خاصی برای بررسی تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده انجام نشـده است. از این‌رو مطالعه حاضر درصدد است با توجه به پیامدهای عملکرد خانواده در بعد فرزندان بر جنبه‌های مختلف زندگی شـخصی، خانوادگی و شـغلی، ضمن پرداختن به این خلا پژوهشی، تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده رامورد بررسی قرار دهد.

روش

از آنجا که هدف اصلی این مطالعه، بررسـی کیفی بعد فرزندان در عملکرد خانواده از نقطه نظر تجارب زیسته زوج‌های شاغل بود، از روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش زوج‌های شاغل دارای رضایت و زوج‌های شـاغل متعارض شهر نورآباد (لرستان) در سال ۱۳۹۷ بود ند(دلیل انتخاب شـهر مذکور برای اجرای پژوهش، فراوانی و تنوع زوج‌های شـاغل و دسترسی مناسـب‌تر تیم پژوهشی به شـرکت‌کنندگان بود). در این بخـش از مطالعـه از راهبرد نمونه‌گیری هدفمنـد و روش گلوله برفی جهت انتخاب نمونه‌ها اسـتفاده شـد. با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، اولین زوج شـاغل دارای رضایت زناشـویی به‌طور هدفمند و با اسـتفاده از اذعان خود زوج به رضایت زناشـویی و پرسشـنامه رضامندی زناشویی انریچ (فرم کوتاه ۴۷ سـوالی)، انتخاب شد سپس از آن زوج خواسـته شد که زوج دیگری را کـه دارای ملاک‌های این پژوهش و مایل به همکاری باشـند، معرفی کنند. این روند تا دستیابی به تعداد زوج‌های موردنظر، جهت اشباع مقوله‌های قابل شناسـایی، ادامه پیدا کرد. جامعه موردمطالعه زوج‌های متعارض شـاغل نیز کلیه زوج‌های شاغل دارای تعارض زناشویی بود که در بازه زمانی چهار ماهه (آبان ماه تا بهمن ماه ۱۳۹۷) به کلینیک مشـاوره خانواده افق (شـهر نورآباد) مراجعـه می‌کردند. نمونه‌گیری در زوج‌های شـاغل متعارض نیز به صورت هدفمند و در دسـترس انجام گرفت. مشخصات اولیه زوج‌های شاغل دارای رضایت و تعارضات زناشویی در جداول ۱ و ۲ آمده است.

جدول(۱) مشخصات اولیه زوج‌های شاغل دارای رضایت زناشویی

کد زوج	جنسیت	سن	طول زندگی زناشویی	شغل	تحصیلات	تعداد فرزند
۱	زن	۴۲	۱۸ سال	حسابدار بانک	لیسانس	۳
	مرد	۴۶		آموزگار	لیسانس	
۲	زن	۳۷	۱۲ سال	تکنسین اتاق عمل	لیسانس	۲
	مرد	۴۳		مهندس بهداشت محیط	لیسانس	
۳	زن	۴۰	۶ سال	آموزگار	لیسانس	۱
	مرد	۴۰		مدیر مدرسه	فوق لیسانس	
۴	زن	۳۹	۸ سال	دبیر تربیت بدنی	فوق لیسانس	۲
	مرد	۳۳		دبیر ریاضی	فوق لیسانس	
۵	زن	۳۶	۱۹ سال	آرایشگر	لیسانس	۲
	مرد	۴۵		کارمند اورژانس اجتماعی	فوق دیپلم	
۶	زن	۴۱	۹ سال	پزشک عمومی	دکتری	۳
	مرد	۳۶		دبیر کامپیوتر	لیسانس	
۷	زن	۴۱	۱۳ سال	آموزگار	فوق دیپلم	۲
	مرد	۴۲		آموزگار	لیسانس	
۸	زن	۴۱	۱۵ سال	مدیر مدرسه غیرانتفاعی	لیسانس	۲
	مرد	۴۴		هیأت علمی دانشگاه	دکتری	
۹	زن	۳۵	۱۰ سال	آموزگار	فوق لیسانس	۱
	مرد	۳۷		آموزگار	فوق لیسانس	
۱۰	زن	۳۲	۵ سال	تکنسین آزمایشگاه	لیسانس	۱
	مرد	۳۸		متصدی امورتسهیلات بانک	فوق لیسانس	
۱۱	زن	۴۹	۳۴ سال	انباردار مدرسه	فوق دیپلم	۲
	مرد	۵۴		کارگر کارخانه ایزوگام سازی	دیپلم	
۱۲	زن	۴۵	۳۲ سال	مدیر آموزشگاه رانندگی	فوق دیپلم	۴
	مرد	۵۲		جواهر فروش	دیپلم	

ملاک‌های ورود و خروج

ملاک‌های ورود در گروه زوج‌های شـاغل دارای رضایت زناشـویی: ازدواج با دوام بیش از پنج سال. داشتن حداقل یک فرزند. یک بار ازدواج کرده و به فهم ماهیت و معنای تجربه خویش علاقه‌مند بوده و ضمن اذعان خود به برخورداری از رضایت زناشـویی، کسـب نمره بالاتر از صد و شصت و یک در پرسشـنامه انریچ-فرم چهل و هفت سوالی که نشانگر رضایت زناشویی زیاد و فوق العاده است، حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، حداقل سی سال سن. داشتن کار تمام وقت.

ملاک‌های ورود به پژوهش برای زوج‌های شـاغل دارای تعارض زناشـویی: علاوه بر تشـخیص تعارضات زناشویی یعنی نمره خام صد و هشـتاد و هفت و بالاتر در پرسشـنامه تعارضات زناشـویی که نشـان دهنده تعارض شدید و یا روابط بسیارآسیب‌پذیر است. بعلاوه همان ملاک‌های زوجین دارای رضایت بود.

ملاک‌های خروج: داشتن اختلالات روان‌شناختی بر اساس تشخیص اولیه پژوهشگران و تشخیص دقیق روانشناس بالینی. بیماری‌های جسمانی شدید مخل در جلسات مصاحبه بنا به اظهار شرکت‌کنندگان.

ملاحظـات اخلاقـی: ملاحظـات اخلاقـی الزامـی در این مطالعه شـامل کسـب رضایـت آگاهانـه از زوج‌های شـاغل و اخـذ رضایت‌نامه کتبی، رازداری به‌صورت اسـتفاده از نام مسـتعار مانند زوج شـماره یـک، دو، و ... در تمام

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

طـول پژوهـش و حـق انصـراف بـرای شـرکت‌کنندگان بود. کـد اخـلاق پژوهـش بـه شناسـهIR.LUMS.REC.1398.073 می‌باشـد.

روش اجـرای پژوهش: در این مطالعه بـرای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه عمیق نیمه‌سـاختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها در یک بازه زمانـی چهار ماهه از آبـان ماه تا بهمن مـاه ۱۳۹۷ جمع‌آوری و تحلیل شـدند. در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته که زوجین شرکت می‌کنندو به سوالات باز پاسـخ می‌دهند، مصاحبه دوتایی یا مشترک گفته می‌شود. [۳۸] مصاحبه‌های زوجی در اتاق مشـاور کلینیک مشاوره خانواده افق در دامنـه زمانـی چهل و هفت تا هفتاد و پنج دقیقه، متناسـب با خلق، آستانه تحمل و علاقه شـرکت‌کنندگان انجام شد. اعضای تیم پژوهشی در تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تدوین گزارش پژوهشی نقش داشتند. به‌منظور دسترسی به ادراک و تجارب زیسته مصاحبه‌شوندگان، در تدوین سوالات مصاحبه عمیق نیمه‌سـاختاریافته زوجی، از رویکرد سـه‌گانه به مصاحبه پدیدارشناسـی[۳۹] استفاده شـد؛ که در این نوع مصاحبه شـرکت‌کنندگان می‌توانند تجارب خود را بازسازی کنند و آن را در زمینـه زندگی خـود قرار داده و معنـای آن را بازتاب دهند. برای تجزیـه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌سـاختاریافته، از روش دیکلمن، آلن و تانر[۴۰] اسـتفاده شد که دارای ماهیت تیمی بوده و در پدیدارشناسـی تفسیری مرسوم اسـت. بر مبنای این روش تحلیل، برای رسیدن به هدف، هفت مرحله طی شد. در مرحله اول پس از پایان هر مصاحبه و ثبت مشـاهدات و یادداشت‌برداری‌های میدانی، به‌منظور دستیابی به یک ایده کلی، مصاحبه‌ها مکررا شنیده می‌شد و روی کاغذ ثبت می‌گردید و چندین بار مرور می‌شـد. در مرحله دوم، برای کشـف موضوعات بالقوه، آنچه که دیده و شـنیده شده بود به‌صورت "خلاصه تفسـیری" تدوین می‌شـد. در این مرحله عبارات مهم مشـخص شد و معانـی نهفته در آن درک و اسـتخراج گردید. ایـن معانی صرفا همان بیان سـاده شرکت‌کنندگان نبود، بلکه فضای مصاحبه و چگونگی پاسخ زوج به سـوالات را نیز شامل می‌شـد. در مرحله سوم متون نوشتاری و محتوای مصاحبه‌ها به‌صورت تیمی مورد بحث و تبادل نظر و تحلیل قرار می‌گرفت تا ضمن رسـیدن به یک درک مشترک، درون مایه‌های اصلی استخراج شوند. در مرحله چهارم، بعد از استخراج درون مایه‌ها، مفاهیم اسـتخراج شده به‌دقت مورد مطالعه قرار می‌گرفت و ضمن روشن‌سازی و طبقه‌بنـدی داده‌ها، یک تحلیل کلـی و ترکیبی از هر متن یا مصاحبه ارایه می‌شد. در مرحله پنجم، متون مصاحبه‌ها به‌منظور شناسایی، تعیین و توصیف معانی مشـترک و عملکردها مقایسه می‌شدند. مرحله ششم با شناسایی و استخراج الگوهای بنیادین که ارتباط درون مایه‌ها را برقرار می‌کـرد، دنبال شـد. در مرحله پایانـی به‌منظور تبیین، روشن‌سـازی و طبقه‌بنـدی و رفع هر گونه عدم توافق و تناقضات موجود در تفسـیرها، نسخه‌ای پیش‌نویس از درون مایه‌ها جهت اعتباربخشی و نگارش نسخه نهایی، به اعضای تیم پژوهشی و افراد صاحب نظر در زمینه پژوهش‌های پدیدارشناختی ارایه می‌شـد. در هر مرحله، ضمن پیشرفت کار، با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل ترکیبی و کلی‌تر شـکل می‌گرفت تـا درون مایه‌های حاصله، به بهترین نحـو ممکن با هم ارتباط یابنـد. برای عملیات ذکر شـده، از نرم افزار MAXQDA12 نیـز اسـتفاده شـد.به‌منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهشـی از چهار شـاخص اعتبار گوبا و لینکلـن[۴۱] قابلیت اعتبـار، قابلیـت تصدیق، قابلیـت اطمینان و کفایت و قابلیت تعمیم و انتقال استفاده شد. بـرای تضمیـن قابلیت اعتبـار داده‌ها پس از تحلیـل هر مصاحبه، متـن مصاحبه دوباره به زوج شـرکت‌کننده در پژوهش داده می‌شد تا صحت و سـقم مطالب را تایید و در صورت لزوم اصلاحـات لازم اعمال گـردد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی شد تیم پژوهشی پیش‌فرض‌های پیشـین خـود را تا حد امکان در فراینـد جمع‌آوری داده‌هـا دخالت نداده تـا ضمن لحاظ شـدن دانـش و دیدگاه‌های

جدول(۲) مشخصات اولیه زوج‌های شاغل دارای تعارضات زناشویی

کد زوج	جنسیت	سن	طول زندگی زناشویی	شغل	تحصیلات	تعداد فرزند
۱	زن	۴۱	۲۰ سال	کارمند شهرداری	فوق لیسانس	۳
	مرد	۴۸		کارمند اداره برق	لیسانس	
۲	زن	۳۳	۱۰ سال	آموزگار	لیسانس	۱
	مرد	۳۹		کارمند کمیته امداد	لیسانس	
۳	زن	۳۱	۶ سال	طلبه/ معلم	تحصیلات حوزوی	۱
	مرد	۳۶		متصدی بنگاه معاملات ملکی	فوق دیپلم	
۴	زن	۳۸	۱۲ سال	پرستار	لیسانس	۲
	مرد	۴۲		کارمند پتروشیمی	لیسانس	
۵	زن	۳۴	۱۱ سال	فروشنده بوتیک زنانه	دیپلم	۲
	مرد	۳۷		نگهبان شیفتی	دیپلم	
۶	زن	۲۹	۹ سال	تحویلدار بانک	لیسانس	۲
	مرد	۳۵		متصدی نمایشگاه اتومبیل	دیپلم	
۷	زن	۴۲	۲۱ سال	خیاط زنانه	دیپلم	۴
	مرد	۴۹		تعمیرکار اتوموبیل	فوق دیپلم	
۸	زن	۳۸	۱۲ سال	کارمند اداره بهزیستی	لیسانس	۲
	مرد	۴۴		آموزگار	لیسانس	
۹	زن	۴۰	۱۹ سال	دبیر عربی	لیسانس	۲
	مرد	۴۷		نظامی	دیپلم	
۱۰	زن	۳۳	۸ سال	کارمند نمایندگی بیمه	لیسانس	۱
	مرد	۳۹		کارمند تدارکات اداره دولتی	فوق لیسانس	
۱۱	زن	۲۸	۷ سال	بهیار	فوق دیپلم	۲
	مرد	۳۷		بهیار	فوق دیپلم	
۱۲	زن	۳۳	۹ سال	پرستار	لیسانس	۱
	مرد	۳۵		پرستار	لیسانس	

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

تیم پژوهشـی، تجارب زیسته زوج‌های شاغل شرکت‌کننده در پژوهش نیز معرفی و بازنمایی شـود. برای تضمین قابلیت اطمینان و کفایت نیز از نظرات اسـاتید زوج درمانی و مشـاوره خانواده اسـتفاده شـد. به همین منظور متون مربـوط به مصاحبه‌ها جهت بررسـی دقیقتر و کدگذاری به صاحب‌نظران و یک متخصص پژوهش کیفی نیز داده شـد. از فرد متخصص مذکور درخواست شد، او نیز کدگذاری داده‌ها را در نرم افزار MAXQDA12 انجام دهد. میزان توافق کدگذاران که هر دو از نرم افزار مذکور استفاده کردند، مناسب تشخیص داده شد. که نشـان دهنده اطمینان و کفایت داده‌ها بود.(هشتاد درصد) همچنین جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال داده‌ها به سایر موقعیت‌ها، تا حد امکان از زوج‌های شـاغل در مشـاغل و موقعیت‌های گوناگون با حداکثر تنوع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بهره گرفته شد.

یافته ها

پس از تحلیل محتوی مصاحبه‌های انجام گرفته با دوازده زوج شاغل دارای رضایت زناشـویی و دوازده زوج شـاغل دارای تعارضات زناشویی و بعد از کدگذاری و دسـته‌بندی مفاهیم اولیه، دو درون مایه اصلی و هفت درون مایه فرعی از تجارب زیسته آنان در بعد فرزندان در عملکرد خانواده استخراج شد.

درون مایه اصلی اول عملکرد سالم: درون مایه اصلی به‌دست آمده از تحلیل بیانات زوج‌های شاغل دارای رضایت زناشویی، عملکرد سالم بود. خانـواده دارای عملکرد سـالم، خانواده کامل و بی‌عیب نیسـت ولی ضمن توجـه به تاثیرات مثبت اشـتغال همزمان بر فرزندان، مشـکلات و تعارضات زوجـی مرتبط با فرزندان را به‌طور موثری مدیریت می‌کند به گونه‌ای که تاثیر مثبتی بر عملکرد خانواده دارد. فرایند تحلیل داده‌ها در این درون مایه اصلی، منجر به شناسـایی سه درون مایه فرعی شد که شامل کارکردهای مثبت برای فرزندان، فرزند پروری تعاملی و فرزند پروری ماهرانه می‌باشد. بیانات مرتبط با این درون مایه اصلی در مجموع، سی و هشت و سی و هشت صدم درصد از کل بیانات مرتبط با بعد فرزندان در عملکرد خانواده را در بر می‌گیرد.

درون مایـه فرعـی شـماره یـک کارکردهای مثبـت بـرای فرزندان: زوجین شـاغل دارای رضایت زناشـویی در اولین درون مایه فرعی استخراج شـده بر تاثیرات مثبت اشـتغال همزمان خود و همسرشـان بر فرزندان تاکید کردنـد. نمونـه‌ای از ایـن کارکردهای مثبـت در گفته‌هـای زوجین دارای رضایت آمده اسـت. **ارتقای مسـوولیت‌پذیری:** زوج شـماره پنج، مرد شاغل می‌گوید"بچه‌هـا خیلی کمـک می‌کنن، خصوصا از وقتی که بزرگتر شـدن کارهای شخصیشـونو انجـام می‌دن حتی تـوی کارهای خونـه هم بهمون کمـک می‌کنن... پسـر کوچیکـم تا من از آرایشـگاه می‌یام سـریع می‌ره سـراغ کارهـای خونه... به‌نظـرم بـرای اینکه تا مـادر بیاد وقت بیشـتری برامـون بذاره، بیشـتر باهامـون حرف بزنـه... بـا اون زبـون کودکانه‌اش می‌گـه مادر اگه مشـغول کار بشـه نمی‌تونیم بریم شـهربازی، مهمونی..." **ارتقـای اعتمـاد به‌نفس:** زوج شـماره هشـت، مرد شـاغل می‌گویـد "یکی از جنبه‌های مثبتش اینه که توی زندگی زوج‌های شـاغل همیشه تو یه تایم‌هایی نقش‌هایی به بچه‌ها واگذار می‌شـه مثلا انجام کارهای شخصیشون یا مراقبت و خرید و اینجور کارها که باعث می‌شه واسه حل مشکلاتشون پیشقدم بشن و همینم اعتماد به‌نفس بچه‌ها رو میبره بالا... اینجوری بچه‌ها تو حل مشکل

جدول(۳) درون مایه‌های اصلی و فرعی به‌دست آمده از تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بُعد فرزندان در عملکرد خانواده

درون مایه اصلی (فراوانی)	درون مایه‌های فرعی (فراوانی)	مفاهیم اولیه	فراوانی
عملکرد سالم (۷۱)	کارکردهای مثبت برای فرزندان (۳۱)	استقلال (خودمختاری)	۴
		ارتقای مسئولیت‌پذیری	۷
		ارتقای اعتماد به نفس	۴
		تحریک برای تلاش بیشتر	۲
		بهبود روحیه همکاری	۳
		بهبود روابط اجتماعی	۵
		ارضای نیازهای مالی کنونی و آتی	۶
	فرزندپروری تعاملی (۱۴)	مشارکت زوجی در امور فرزندان	۴
		هماهنگی زوجی در رفع تناقض های تربیتی	۴
		توافق زوجی بر سبک‌های فرزندپروری	۳
		تقسیم وظایف مرتبط با فرزندپروری	۳
	فرزندپروری ماهرانه (۲۶)	بهره‌گیری از پرستار/مراقب	۴
		بهره‌گیری از حمایت خانواده های اصلی	۴
		مراقبت کیفی به جای مراقبت کمی	۴
		اختصاص زمان برای فرزندان	۷
		برنامه‌ریزی و نشست برای ارتباط با فرزندان	۲
		مقابله مؤثر با احساس گناه مادرانه	۲
		نظارت بر فرزندان از محل کار	۳
عملکرد ناسالم (۱۱۴)	کاردهای منفی برای فرزندان (۵۳)	کمبود مهارت‌های اجتماعی	۶
		محدودیت زمانی برای فرزندان	۳
		آسیب‌های جسمانی	۷
		آسیب‌های روانشناختی	۴
		آسیب‌های اجتماعی	۸
		مشکلات تحصیلی	۳
		تنها بودن فرزندان در خانه (فرزندان کلیدار)	۶
		تغذیه نامناسب	۵
		محدودیت دسترسی به الگوی جنسیتی مناسب	۳
		سوء استفاده (باج گیری) از والدین	۲
		بار فشار امور خانه بر دوش فرزندان	۲
	فرزندپروری تقابلی (۲۱)	فقدان مشارکت زوجی در امور فرزندان	۴
		تناقض‌های تربیتی	۵
		تعارض زوجی بر سبک های تربیتی	۶
		فاصله گیری فیزیکی- عاطفی از فرزندان	۲
		مثلث سازی با فرزندان با توجه به شرایط شغلی	۲
		زندگی شیفتی و خانه‌های تک والدی!	۲
	فرزندپروری مخاطره‌آمیز (۲۷)	کاهش حمایت برای مراقبت از فرزندان	۶
		استرس‌های والدگری (نگرانی در محل کار برای فرزندان)	۷
		محدودیت زمان برای فرزندان	۷
		کاهش آستانه تحمل والدین در مقابل خطاها	۲
		احساس گناه مادران شاغل	۷
		مراقبت افراطی از فرزندان (جبران)	۳
		فرزندان در محیط کاری والدین	۲
	فرزندآوری به مثابه تهدید (۱۳)	محدودیت در تعداد فرزندان	۷
		هراس بچه	۶

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

و حتی بحث‌های مالی احساس اعتماد به‌نفس بیشتری می‌کنن...“ **ارضای نیازهای مالی کنونی و آتی:** زوج شماره یک، زن شاغل می‌گوید ”چون هر دوتامون کار می‌کنیم از نظر مالی واسه بچه‌ها یه مزیته... می‌تونیم الان خواسته‌های مالی بچه‌ها رو برآورده کنیم، یه پشتوانه مالی واسه آینده شونم هست. ما می‌تونیم نسبت به خانواده‌های سنتی تک شاغه برای بچه‌هامون بیشتر پس‌انداز کنیم تا اگه یه زمانی بخوان شغل آزاد انتخاب کنن کمتر محدودیت مالی داشته باشن.

درون مایه فرعی شماره دو فرزند پروری تعاملی: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با والدین شاغل دارای رضایت نشان داد، اگرچه آن‌ها زمان کمتری را با فرزندان خود می‌گذارنند ولی با تکیه بر تعامل متقابل در شیوه‌های فرزند پروری می‌توانند این نقص را جبران کنند. **مشارکت زوجی در امور فرزندان:** زوج شماره سه، مرد شاغل می‌گوید ”ساعت دوازده و نیم ظهر خانم می‌ره مدرسه، تا ساعت پنج و نیم عصر برنمی‌گرده من از بچه مراقبت می‌کنم، توی این فاصله تغذیه بچه، نظافتش، همه کاراش با منه، صبح‌هام همسرم این کارها رو انجام می‌ده.“ **هماهنگی زوجی در رفع تناقض‌های تربیتی:** زوج شماره هشت، مرد شاغل می‌گوید ”یکی از تعارض‌های ما روی بحث تربیت بچه‌ها بود چون ما هر دومون شاغلیم به ناچار بچه اولمون باید یه تایمی رو پیش مادربزرگ می‌گذروند... ایشون مادر همسرم سبک تربیتی خاص خودشو داشت؛ حمایت‌های بیشتری ازشون می‌کرد، مثلا پول توجیبی بیشتر یا تغذیه کنترل نشده... این موضوع توی روابط من و همسرم چالش درست کرد که اگه جریان تربیت بچه به همین روال ادامه داشته باشه بچه دیگه حرف ما رو نمی‌خونه... بالاخره نشستیم با هم گفتگو کردیم که چطور مشکلو حل کنیم. البته از تجربه همکاران هر دو شاغلم استفاده کردیم بچه رو بردیم مهد کودک... الان خدا رو شکر پسر اولمون با یه سبک تربیتی مطلوب بزرگ شده...“

درون مایه فرعی شماره سه فرزند پروری ماهرانه: در این درون مایه فرعی، زوجین شاغل دارای رضایت، مهارت‌های فرزند پروری را روایت کردند که حاکی از دانش و تجربه زوجی بودند. **بهره‌گیری از پرستار مراقب:** زوج شماره دو، زن شاغل می‌گوید ”بچه اولمون که کوچیک بود هر روز صبح ساعت هفت می‌بردمش خونه مامانم که کلی هم با خونه خودمون فاصله داشت... تو زمستون و یخبندون کلی دردسر داشتم، خواب بچه نامنظم شده بود، رفت و آمد کلافه‌مون کرده بود... حالا دیگه واسه دوتاشون پرستار گرفتم، اینجوری خواب بچه‌ها آسیب نمبینه، می‌تونن تا هر ساعتی بخوان بخوابن، خودمم صبح‌ها دیرتر می‌رم بیرون...“ **مراقبت کیفی به‌جای مراقبت کمی:** زوج شماره ده، زن شاغل می‌گوید ”خب این واقعیته که ما نمی‌تونیم همه طول روز کنار بچه‌مون باشیم ولی اون ساعت‌هایی که پیش بچه‌ایم و زمان براش می‌ذاریم فقط مال بچه‌ست مثلا وقتی کتاب قصه براش می‌خونم این زمان فقط مال اونه، تو اون وقت کار دیگه‌ای نمی‌کنم... تقریبا هر روز عصرها می‌برمش پارک تا بازی کنه، خودمم باهاش بازی می‌کنم هم خودم لذت می‌برم هم دخترم... دنبال این نیستم نبودنمو جبران کنم ترجیح می‌دم وقت کمتری پیشش باشم ولی تو اون وقت همه تمرکزم رو بچه‌ام باشه واسش شوق و ذوق کنم...“ **مقابله موثر با احساس گناه مادرانه:** زوج شماره ده، زن شاغل می‌گوید ” مرخصی زایمانم تموم شد خیلی احساس گناه می‌کردم، تا یه مدتی حتی از خودم، کارم، شاغل بودنم بدم می‌یومد... البته حرفای دیگرانم که مثلا بچه‌تو چی‌کار می‌کنی، چه جوری دلت میاد تنهاش بذاری این عذاب وجدانه رو بیشتر می‌کرد... وقتی گذاشتمش یه مهد خوب و توی خونه‌ام حسابی واسش زمان می‌ذاشتم احساس گناهم کمتر شد. شوهرمم خیلی کمکم کرد، می‌گفت تو که واسه دخترمون کم نذاشتی، تازه خیلی از خانمای خونه‌دار هم بچه‌شونو می‌ذارن مهد.“ **نظارت بر فرزندان از محل کار:** زوج شماره یک، زن شاغل می‌گوید ”بانک خیلی شلوغه ولی وقتی شوهرم خونه نیست و بچه‌ها توی خانه تنهان، هم دلواپس می‌شم هم دلم می‌خواد بچه‌ها بفهمن یه کنترلی روشون هست... تلفنی یا با واتساپ تصویری باهاشون حرف می‌زنم که خیالم راحت بشه.“

درون مایه اصلی دوم عملکرد ناسالم: درون مایه اصلی شناسایی شده از تحلیل مصاحبه‌های زوجین شاغل دارای تعارضات زناشویی، عملکرد ناسالم بود. فرایند تحلیل داده‌های مرتبط با این درون مایه اصلی، منجر به شناسایی چهار درون مایه فرعی شد. اظهارات مرتبط با این درون مایه در مجموع،شصت و یک و شصت و دو صدم درصد از کل اظهارات مربوط به بعد فرزندان را در عملکرد خانواده تشکیل می‌دهد.

درون مایه فرعی شماره یک کارکردهای منفی برای فرزندان: بر خلاف زوجین شاغل دارای رضایت، اظهارات زوجین شاغل متعارض حاکی از کارکردهای منفی اشتغال همزمان زوج برای فرزندان بود. **کمبود مهارت‌های اجتماعی:** زوج شماره سه، مرد شاغل می‌گوید ”هر دو شاغل بودن روی بچه‌ها تاثیر منفی می‌ذاره چون بچه تا غروب توی خونه

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

می‌مونـه، به خصـوص بچه تـک فرزند... اینجـوری بچه خجالتـی بار می‌یـاد، روابط اجتماعیش تحـت تاثیر قرار می‌گیره. فرصت و وقـت کافیـم بـرای بـازی با همسـالاش نداره چون بیشـتر وقتش توی خونه‌ست...“ **آسیب‌های اجتماعی:** زوج شـماره هفت، زن شـاغل می‌گوید ”الان مشـکلات پسر بزرگم بیشتر شـده، این گوشی‌های هوشمندم ما رو بیشـتر می‌ترسـونه... تو گوشـیش فیلم‌های پورنـو دیدم، لباساشـم بوی سـیگار می‌ده، معلوم نیسـت ما خونه نیستیم چی‌کار می‌کنه“ **آسـیب‌های روان‌شـناختی:** زوج شماره یک، زن شـاغل می‌گویـد ”وقتی بچه‌هـای خودم و همکارهامـو مقایسـه می‌کنم بـا بچه‌های مادرهای خانـه‌دار مثلا بچه‌هـای خواهرم یا بقیـه می‌بینم بچه‌هـای اونا چقـدر آرومترن ولی ما که شـاغلیم از همون موقـع بارداری انقـد تـو محیـط کاری و خونه اسـترس و فشـار کاری داریم که بچه‌هامون بیقراری و پرخاشگریشون خیلی بیشـتر از اوناست...“ **محدودیـت زمـان برای فرزندان:** زوج شـماره یـک، زن شـاغل می‌گویـد ”بزرگترین ضرر این نوع زندگی واسـه بچه‌هاست از نظر زمان کمـی که براشـون می‌ذاری مثـلا من خیلی کم می‌تونم تو مراسـمای آموزشـی مدرسـه بچه‌ها شرکت کنم... وقتیم برمی‌گردم خونه، خسـتگی و کارهای خونه زمانـی نمی‌ذاره واسـه بچه‌هـا به‌خصوص اگه شـوهرتم اهل کمک کردن نباشـه...“ **تنها بـودن فرزندان در خانه-فرزندان کلیددار:** زوج شـماره یک، مرد شـاغل می‌گوید ”درسـت مثل بچه‌های کلیددار شـدن وقتی هر دوتامون سـرکاریم برمی‌گـردن خونـه، بالاسرشـون که نیسـتی اصلا خبـر نداری اومدن خونـه، نیومدن... خطرناکـه، دلـم شـور میزنه معلوم نیسـت چـی‌کار می‌کنن غذاشـون چی می‌شـه...“ **تغذیه نامناسـب:** زوج شماره چهار، مرد شاغل می‌گوید ”غذامون تنوع نداره، همش شده این غذاهای حاضری و فسـت فودی... گوارش بچه‌ها با این غذاها نابود شـده.“ **محدودیت دسترسـی به الگوی جنسیتی مناسـب:** زوج شماره نه، زن شاغل می‌گوید ”پدر که خونه نباشه الگوی پسـر کی باید باشـه؟ اینا ماهی یکـی دو بار، اونم چند روز پدرشـونو می‌بینن یه پدر سرد و نجوش... من که نمی‌تونم هم مادر باشم هم پدر“ **درون مایه فرعی شـماره دو فرزند پروری تقابلی:** مشارکت ناچیز، تعارضـات و تقابل‌هـای مکرر زوجیـن متعارض در شـیوه‌های فرزند پروری و امور مرتبط با فرزندان، محتوی این درون مایه فرعی را تشکیل می‌دهند.

فقدان مشـارکت زوجی در امور فرزندان: زوج شـماره هشت، زن شاغل با خنـده می‌گوید ”چون خـودش معلمه توقـع دارم حداقل به تکلیف بچه برسـه ولی اصلا اهل این کارها نیسـت... طوری رفتار می‌کنه که بچه سـمت پدرش نمی‌ره و سـمت من می‌یاد که کلی کار توی خونه دارم... اینم ترفندشه.“ **تناقض‌های تربیتی:** زوج شماره هشت، زن شاغل می‌گوید ”کار من یه جوریه کـه تو بعضی ماه‌ها پیک کاری داریم، تو اون وقتا به‌خصوص اسـفند یا شهریور باید صبح زود برم اداره تا غروب، همسرمم معمولا شیفت عصر می‌ره مدرسـه... مجبور می‌شیم ظهر به بعد بچه‌ها رو بذاریم پیش مادرشوهر یا خواهر شوهرم، شیوه تربیتی اونا کاملا برعکس ماست انقد به بچه رو می‌دن که بعدش کسی جلودارش نیسـت... تموم رفتارهای بد اونجا رو یاد گرفتـن. وقتی پیش خودمن همـه چی رو کنترل می‌کنم ولی وقتی پیشـم نیسـتن نمی‌دونم چی یاد می‌گیرن...“ **مثلث‌سازی با فرزندان با توجه به شرایط شغلی:** زوج شماره نه، مرد شاغل می‌گوید ”بین من و... (همسرم) مشکلی که پیش می‌یاد، هر دو تا پسرم طرف مادرشونو میگیرن، منم واقعیت همش حرص می‌خورم و خـون خونمو می‌خوره کـه چرا باید اینجوری باشـه... چون نظامیم بیشتر روزها خونه نیستم، بچه‌ها بهش وابسته شدن.“

درون مایه فرعی شـماره سـه فرزند پـروری مخاطره‌آمیز: گاهی سـبک فرزند پروری زوج‌های شـاغل متعارض عـلاوه بر کارکردهای منفی، مخاطراتی را برای خود آنان و فرزندانشـان در پی دارد. نمونه‌ای از این مخاطرات در اظهارات زوجین آمده است.

اسـترس‌های والدگری-نگرانـی در محل کار برای فرزندان): زوج شـماره پنج، زن شاغل می‌گوید ”بچه‌هام خیلی شیطون و بازیگوشن... پارسال تابسـتون خواهرزاده‌ام شـیش سالشـه، خواهرم خونه نبود تو خونه‌شون دوچرخه‌سـواری می‌کـرد افتاد زمیـن و ضربه مغزی شـد، توی مغازه کـه یادم میافتـه نگران تکرار شـدنش تو خونه خودمونـم...“ **کاهش آسـتانه تحمـل والدیـن در مقابـل خطاها:** زوج شـماره چهار، زن شـاغل می‌گوید ”وقتی خسـته و کوفته از شیفت بیمارستان می‌یام خونه، تحمل کوچکترین سر و صدا و نافرمانی بچه‌ها رو هم ندارم... عصبی می‌شم و می‌زنمشون.“ **مراقبت افراطی از فرزندان-جبران:** زوج شماره هفت، زن شـاغل می‌گوید ”صبحا ساعت شـیش بیدار می‌شم واسه صبحونه‌شون

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

ساندویچ می‌ذارم فکر می‌کنم اینا که گناهی نکردن نباید به‌خاطر کار کردن واسشون کم بذارم... همه کار می‌کنم براشون، حتی اون کاری که وظیفه منم نیست." **فرزندان در محیط کاری والدین:** زوج شماره دو، زن شاغل می‌گوید "مجبور بودم ببرمش یخبندان بود، مهدشون تعطیل بود، منم مجبور بودم برم مدرسه. سر کلاس گریه می‌کرد، نظم کلاسو بهم ریخته بود... همکارها و رییس مدرسه هم یه جوری نگام می‌کردن... خودشم خسته و کلافه شده بود دلم براش سوخت..."

درون مایه فرعی شماره چهار فرزندآوری به مثابه تهدید: اغلب زوجین شاغل متعارض، ترس‌های مشهودی را در زمینه ورود فرزندان به خانواده و افزایش تعداد آن‌ها گزارش کردند، گاهی این ترس حتی شکل هراس به خود می‌گرفت. این زوجین در مصاحبه‌های خود عنوان می‌کردند که ورود فرزند یا افزایش آن‌ها می‌تواند مانعی بر حفظ و ارتقای شغلیشان باشد. **محدودیت در تعداد فرزندان:** زوج شماره سه، زن شاغل می‌گوید "توی این سبک زندگی بیشتر فشارها روی زنه که باید دو شیفت کار کنه اگه بخوای بچه دومی هم داشته باشی توی ذهنت دوباره می‌یاد که همون مشکلات از نو برمی‌گردن... برای خود من سخته که بچه دوم باشه -با مکث- نمیدونم البته شاید من حساس باشم." **هراس بچه:** زوج شماره چهار، مرد شاغل می‌گوید "دقیقا می‌تونیم این سبک زندگی رو به دو بخش تقسیم کنیم؛ دوره اول تا وقتی بچه‌ها به دنیا نیومدن، دوره دوم هم وقتی بچه‌ها به دنیا می‌یان. وقتی بچه‌ها به دنیا می‌یان اون چیزهایی که مزیته این نوع زندگیه تبدیل می‌شه به محدودیت... محدودیت‌ها با تولد بچه شروع می‌شه."

بحث و نتیجه گیری

عملکرد خانواده به‌وسیله اشتغال همزمان زوج، دستخوش تغییراتی می‌شود و مشکلات خاصی را برای زوجین و خانواده به وجود می‌آورد. از ابعادی که عملکرد خانواده زوج‌های شاغل را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بعد فرزندان است. مطالعه کیفی حاضر با روش پدیدارشناسی تفسیری به بررسی تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده پرداخت. تحلیل تجارب زیسته زوج‌های مشارکت‌کننده، منجر به شناسایی دو درون مایه اصلی یک عملکرد سالم با درون مایه‌های فرعی کارکردهای مثبت برای فرزندان، فرزند پروری تعاملی و فرزند پروری ماهرانه و دو عملکرد ناسالم با درون مایه‌های فرعی کارکردهای منفی برای فرزندان، فرزند پروری تقابلی، فرزند پروری مخاطره آمیز و فرزندآوری شد.

از زمان شکل‌گیری سبک زندگی زوج شاغل این سوال همواره مطرح بوده است که آیا این‌گونه زوج‌ها با وجود اشتغال همزمان قادر هستند در ارتباط با فرزندان خود به گونه‌ای رفتار کنند که آن‌ها کمتر آسیب ببینند. در درون مایه عملکرد سالم، اولین درون مایه فرعی؛ کارکردهای مثبت برای فرزندان بود. بنا به تجارب زیسته زوجین شاغل دارای رضایت زناشویی، اشتغال همزمان زوج نه تنها آسیب‌رسان نیست بلکه می‌تواند با مدیریت و برنامه‌ریزی زوجی، پیامدهای مثبتی برای فرزندان در پی داشته باشد. نتایج به دست آمده مبنی بر دستاوردهای مثبت اشتغال همزمان والدین برای فرزندان در این درون مایه با مطالعات مختلف در زمینه مستقلتر شدن،[۲۵] مسوولیت‌پذیری،[۲۶] اعتماد به‌نفس،[۲۵] تحریک برای تلاش بیشتر،[۲۶و۲۷] بهبود روحیه همکاری،[۲۶] برآورده کردن نیازهای مالی،[۲۷،۲۸،۲۹و۳۰] و بهبود روابط اجتماعی[۱۹و۳۱] فرزندان والدین شاغل همسو بود. حضور همیشگی یکی از والدین خانواده‌های سنتی یا تک شاغل در کنار فرزندان می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی فرزندان شده و همین امر می‌تواند پذیرش مسوولیت، اعتماد به‌نفس و سازگاری اجتماعی آنان را با افت مواجه کند. در مقابل، حضور نداشتن والدین شاغل در خانه، باوجود برخی تاثیرات منفی که قابل انکار نیستند، زمینه را برای استقلال، مسوولیت‌پذیری، اعتماد به‌نفس و تلاش بیشتر فرزندان فراهم می‌کند. والدین شاغل اعتماد به‌نفس و سازگاری اجتماعی را که از طریق اشتغال کسب کرده‌اند، به فرزندانشان منتقل کرده و آنان را از نظر رشد ویژگی‌های مثبت فردی و اجتماعی در سطح بالاتری قرار می‌دهند. از طرف دیگر، فرزندان زوجین شاغل وقتی تحرک، تلاش و روحیه همکاری والدین خود را می‌بینند، ترغیب می‌شوند تا در روند زندگی خود همین ویژگی‌ها را تکرار کنند. همچنین فرزندان این نوع خانواده‌ها به سبب حضور زودهنگام در مهدها و موسسات مشابه و به جهت ارتباط با سایر همسالان و آموزش‌های خاص، روابط گسترده‌تری با دیگران برقرار کرده و از نظر مهارت‌های اجتماعی وضعیت مناسبتری را به نمایش می‌گذارند. رفاه اقتصادی و کاهش دغدغه‌های مالی در این نوع خانواده‌ها به سبب هر دو شاغل بودن زوجین، مزیت مثبت دیگری است که

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

می‌تواند نیازهای مالی فرزندان را کاهش داده و حتی برای آینده آن‌ها نتایج مثبتی در برداشته باشد به گونه‌ای که می‌تواند در صورت عدم تامین منابع مالی توسط فرزندان، سرمایه مالی لازم را برای آتیه شخصی و شغلی آن‌ها فراهم کند. به‌طور کلی اشتغال همزمان زوج، در آنان احساس هویت و وضعیت روانی مثبتی به‌وجود آورده و موجب می‌شود از احساس ارزشمندی، سلامت و نشاط روانی بالایی برخوردار باشند که این حالت پیامدهای مثبتی را برای فرزندان در پی دارد.

دومین درون مایه فرعی در عملکرد سالم، فرزند پروری تعاملی بود. در این نوع فرزند پروری، زن و شوهر شاغل در فرزند پروری به‌صورت تعاملی با هم مشارکت می‌کنند. نقش پدر در زوجین شاغل دارای رضایت برای فرزند پروری به‌همان اندازه که نقش مادر اهمیت داشت، مهم بود. پدر در این خانواده‌ها فقط یک تامین کننده مالی برای خانواده نبود و در همه امور مربوط به فرزندان با مادر شاغل در تعامل بود. در تایید نتایج به‌دست آمده، یافته‌های بیانچی۲۰۰۰ نشان داد در دهه‌های اخیر، پدران نسبت به گذشته مشارکت بیشتری در تربیت و پرورش کودکان به‌خصوص در مورد کودکان در سنین پایینتر دارند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که از اواسط دهه۱۹۶۰ که زوج‌های شاغل شکل گرفته‌اند در آمریکا زمانی را که پدران صرف نگهداری فرزندان در زمینه‌های حمام کردن، غذا دادن و... می‌کنند، سه برابر شده است.[۱۸] تعامل متقابل زوجین شاغل در امور مربوط به فرزندان نه تنها، روی فرزندان اثر مثبت داشته بلکه خشنودی حاصل از این تعامل می‌تواند رضایت زناشویی این نوع زوجین را نیز ارتقا دهد. تیواری۲۰۱۶ در این زمینه معتقد است زوج‌های شاغل باید سبک‌ها و انتظارات فرزند پروری خود را با همسرشان در میان گذاشته و روی شیوه‌های فرزند پروریشان با هم به توافق برسند و همانند یک تیم کارآمد عمل کنند. این زوج‌ها باید در تمام جنبه‌های فرزند پروری همانند آموزش، شیوه‌های تربیتی، تغذیه و ارتباطات اجتماعی، از یکدیگر حمایت کرده و به فرزند پروری به مثابه یک کارگروهی بنگرند.[۳]

سومین درون مایه فرعی در عملکرد سالم، فرزند پروری ماهرانه بود. در این درون مایه زوجین شاغل ماهر، راهکارها و مهارت‌های خود را برای فرزند پروری مطرح کردند. تجارب مطرح شده توسط زوجین شاغل در این پژوهش با یافته‌های حاصل از مطالعات مختلف در زمینه بهره‌گیری از مراقب، استفاده از حمایت خانواده‌های اصلی در فرزند پروری،[۱۰، ۱۹، ۳۲و۳۳] مراقبت کیفی به‌جای مراقبت کمی و اختصاص زمان برای فرزندان،[۱۰] مقابله با احساس گناه مادرانه[۳۲] همسو بود. یکی از مهارت‌های ذکر شده توسط زوجین شاغل در مطالعه حاضر، اختصاص زمان برای فرزندان بود. در نظریه‌های تحولی، زمان به‌عنوان منبع یا ابزار ارزشمندی است که والدین آن را در فرزندانشان سرمایه‌گذاری می‌کنند. البته نه فقط کمیت زمانی بلکه چگونگی و کیفیت ارتباط والدین و فرزند نیز مهم است. زمانی را که والدین با فرزندان خود می‌گذرانند باید همراه با توجه و مسوولیت‌پذیری باشد[۲۸] که این امر در تجارب زیسته زوجین شاغل دارای رضایت گزارش شد. به‌عبارت دیگر هر چند زوج‌های شاغل دارای رضایت، زمان کمتری را صرف فرزندان می‌کنند، اما این مدت از نظر کیفی هدفدارتر و جدی‌تر است. در هر حال مراقبت از فرزند چیزی نیست که در حد فعالیت جانبی تنزل داده شود. زمان با ارزش و دارای کیفیت، ارتباطی با مدت زمانی که زوجین با فرزندشان هستند ندارد بلکه در مراقبت کیفی تاکید بر چگونگی گذراندن این اوقات دارد.

زوج‌های شاغل متعارض نیز در اولین درون مایه فرعی عملکرد ناسالم، به کارکردهای منفی اشتغال همزمان برای فرزندان اشاره کردند. بیان کارکردهای منفی برای فرزندان زوج‌های شاغل در این پژوهش با پژوهش‌های مشابه در این زمینه که به اثرات منفی مانند محدودیت زمانی برای فرزندان،[۱۸و۱۹] سوتغذیه فرزندان،[۱۹، ۲۰و۲۲] آسیب‌های جسمانی و روان‌شناختی،[۱۹و۲۰] آسیب‌های اجتماعی،[۱۹، ۲۲و۲۷] عدم رسیدگی به امور فرزندان و تکالیف تحصیلی[۱۹] و باج‌دهی به فرزندان[۱۹] همسو بود. وظایف مربوط به نقش همسری و نقش والدینی همراه با ساعات طولانی اشتغال زوجین شاغل در بیرون از منزل، موجب تنیدگی‌های جسمانی، روان‌شناختی و احساس خستگی شده و این امر سبب‌ساز احساس گناه و نگرانی درباره ترک فرزند و چگونگی مراقبت از فرزند در غیاب آنان می‌شود. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند اشتغال همزمان زوجین، بهداشت روانی اعضای خانواده را کاهش داده و موجب بروز مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود.[۲۰] به‌نظر می‌رسد زوجین شاغل متعارض، زمان کمتری به نظارت بر

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

فعالیت‌های روزانه فرزندان اختصاص می‌دهند و کمبود حضور در خانه و عدم مدیریت و برنامه‌ریزی، زمینه را برای بروز بیشتر کارکردهای منفی فراهم می‌کند. خستگی‌های روان‌شناختی ناشی از اشتغال همزمان زوج در خارج از منزل، گاهی سبب رفتار غیردوستانه و سختگیری افراطی والدین می‌شود و گاهی هم زوج شاغل می‌کوشند تا ساعات نبودن خود را با باج دادن به فرزندان خود جبران کنند که این روند افراط و تفریط در رفتار با فرزندان، بر تربیت آنان خدشه وارد می‌کند. همچنین اشتغال مادر در این نوع خانواده‌ها ممکن است نقش و جایگاه پدر را برای فرزندان پسر مخدوش کند. فرزندان پسر چون می‌توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف کنند، ممکن است نقش پدر را در خانه نادیده بگیرند و از کمک‌ها و راهنمایی‌های وی خود را بی نیاز بدانند و به مرور زمان، پدر در انزوا قرار گیرد. در مورد دختران نیز حضور کم مادر در خانه، نقش وی را به‌عنوان الگوی فرزندان دختر، کم رمق می‌سازد.

دومین درون مایه فرعی در عملکرد ناسالم، فرزند پروری تقابلی بود. در این نوع فرزند پروری، زن و شوهر شاغل در تقابل با هم بودند و این امر فضای نامساعدی را جهت رشد فرزندان به‌وجود آورده بود. گاهی شرایط تنشزا در زندگی و محل کار بر تعامل میان والدین و فرزندان اثرگذار بوده و زمینه‌ساز تنش میان زوج شاغل در فرزند پروری شده است. دنرشتاین و همکاران۱۹۹۵ معتقدند که اگر مرد نسبت به شغل زن، نگرش منفی داشته باشد و در نگهداری از فرزندان همکاری نکنند، اثرات مثبت اشتغال نیز از بین می‌رود.[۴۲] این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های [۱۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶و۳۷] که عدم همکاری و تقابل والدین را عاملی سو در فرزند پروری می‌دانند همسو است. شیوه فرزند پروری ناهماهنگ و متناقض می‌تواند فرزندان را دچار تضاد کرده و ضمن ایجاد بستری برای سواستفاده فرزندان از والدین، زمینه را برای تعارضات میان زوج فراهم کند.

فرزند پروری مخاطره‌آمیز، درون مایه فرعی دیگری بود که در عملکرد ناسالم از طرف زوجین شاغل متعارض روایت شد. در غیاب والدین در محیط خانه، فرزندان دچار مخاطره شده و در چنین فضایی باید به تنهایی از گذرگاه‌های زندگی و بحران‌های مخاطره‌آمیز خانواده خویش عبور کنند. یکی از مفاهیم استخراج در این درون مایه فرعی، استرس والدگری بود. منظور از استرس والدگری نوعی از استرس است که توسط والدین تجربه می‌شود و ناشی از مقتضیات والدگری است و در اکثر مواقع رابطه‌ای بسیار نزدیک با اختلال در کارکردهای والدینی دارد.[۴۳] نتایج پژوهش نیس و همکاران[۴۴] از رابطه متقابل استرس والدگری و مشکلات رفتاری کودکان حمایت می‌کند. همه والدین در ایفای نقش والدگری خود، سطحی از استرس را تجربه می‌کنند[۴۵] ولی بنا به تجارب زیسته گزارش شده در مطالعه حاضر، استرس والدگری در مورد زوج‌های شاغل که ساعات زیادی را خارج از خانه و دور از فرزندان می‌گذرانند، شدت بیشتری دارد. در تایید این موضوع، الگوی زیست بومی برونر و سی سای[۴۶] تنیدگی‌های روانی ناشی از فشار کار مضاعف بر زوجین شاغل به‌خصوص مادر را عامل اصلی کاهش سلامت جسمانی و هیجانی آن‌ها می‌داند. چنین والدینی قادر نیستند با فرزندشان به گونه‌ای گسترده و مناسب تعامل داشته باشند و این امر زمینه را برای بروز مخاطرات پیش روی فرزندان فراهم می‌کند.

آخرین مضمون فرعی استخراج شده در مصاحبه‌های زوجین شاغل متعارض، فرزندآوری بود. این امر هم در مورد ورود فرزند جدید و هم درباره افزایش تعداد فرزندان صدق می‌کند. زوج‌های شاغل از یک‌سو با پیش‌بینی میزان ساعات کار اضافی که در صورت فرزندآوری به آن‌ها تحمیل می‌شود و از سوی دیگر با پیش‌بینی این که بخش عمده‌ای از کار خانه با اضافه شدن بر تعداد فرزندان بر دوش آن‌ها می‌افتد، ممکن است ترجیح دهند فرزند دیگری به خانواده اضافه نشود.[۱۰] ترکیب کارهای خانه با اشتغال همزمان زوجین در خارج از خانه سبب می‌شود فشار مضاعفی به این نوع زوجین وارد شود که این امر می‌تواند تمایل به فرزندآوری آن‌ها را کاهش دهد.[۴۷] در زمینه هراس فرزندآوری در زنان شاغل، نتایج پژوهش اسحاقی و همکاران[۱۰] نشان داد زنان شاغل با چالش‌های درون شغلی و برون شغلی در زمینه فرزندآوری مواجه‌اند که کنش‌های آن‌ها را به سمت کم فرزندی به مثابه سبک زندگی سوق می‌دهد. درخواست‌های مضاعف کاری و خانوادگی به همراه کاهش حمایت‌های خانوادگی از زوج‌های شاغل جهت نگهداری فرزندان، این نوع زوجین را به اتخاذ راهبردهایی نظیر تاخیر در فرزندآوری، کاهش تعداد فرزندان و فاصله‌گذاری زیاد بین تولد فرزندان

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

ترغیب می‌کند زیــرا افزایش تعــداد فرزندان و کم بودن ســن آنان، مســوولیت مراقبت از فرزندان را برای زوج شاغل سنگینتر می‌کند. به‌نظر می‌رســد یکی دیگــر از عوامل موثر بر کاهش تمایل زنان شــاغل به فرزندآوری این اســت که نقش مادری در نــزد تعداد زیادی از زنــان شــاغل، تنهــا و بهترین نقــش زنان تلقی نمی‌شــود. به‌عبــارت دقیقتــر، انگیزه مادر شــدن همانند دوران گذشــته برای زنان شاغل پر رنگ نیســت. نتایج حاصله در این درون مایه فرعی با یافته‌های[۱۰و۱۳] همســو است. نتایج به‌دســت آمده در این درون مایه فرعی با پژوهش‌های حاجــی زاده بنده قرا و همکاران[۱۱] و حجازی[۱۲] که نشــان دادند تمایل به فرزندآوری در زنان شــاغل، دو برابر زنان خانه‌دار بود، ناهمسو بود. در مورد علت ناهمخوان بــودن نتایج حاصله با پژوهش‌های ذکر شــده، حجــازی۲۰۱۳ در مطالعه خود، تمایل زوجین شاغل برای فرزند پروری را تابع رتبه شــغلی و متغیرهای فرهنگی آنان دانسته و بنا به اذعان خــود زوجین، آن‌ها فرزند دوم را برای تنهــا نبودن فرزند اول می‌خواســتند. [۱۲] از این رو ممکن است تفاوت رتبه شغلی و متغیرهــای فرهنگــی میــان آزمودنی‌های پژوهــش حاضــر بــا مطالعــات ذکر شــده، سبب‌ســاز این ناهمســویی نتایج بوده باشد. همچنین زوج‌های شــاغل در صورت داشتن امکانات اقتصادی و مزایای اجتماعی بیشتر و تسهیلات قانونی، تمایلشان برای فرزندآوری بیشــتر می‌شــود که در حال حاضر کمبود یا فقدان این شــرایط برای زوجین و به‌ویژه زنان شــاغل در ایران، عامل بازدارنده مهمی برای فرزنــدان آوری زوج‌های شــاغل اســت. در نهایت می‌توان گفت بدون تردید یکی از ابعاد عملکرد خانواده که در اثر اشتغال همزمان زن و شوهر تحت تاثیر قرار می‌گیرد، بعد فرزندان اســت. چوی[٤٨] در مطالعه خود نشان داد، استرسزاترین نقش در زندگی زوجین شاغل، مراقبت از فرزندان است. همان‌طور که در این مطالعه نیز اشاره شد، اشتغال همزمان والدین می‌تواند به مثابه شمشیری دولبه برای فرزندان، جنبه‌های مثبت و منفی در بر داشــته باشد. در این بین آنچه جنبه‌های مثبت را پر رنگتر می‌کند، تعامل والدین شاغل، درک متقابل و تسلط آن‌ها بر مهارت‌های فرزند پروری است.

محدودیت‌هــا: با توجه به ایــن که مطالعه حاضر یکــی از اولین پژوهش‌هــای کیفی بعد فرزندان در عملکرد خانواده زوج‌های شــاغل بود، کمبود منابع نظری و پژوهشی پیرامون موضوع مورد مطالعه از جمله محدودیت‌هایی بود که مقایســه نتایج به‌دســت آمده را دشوار می‌کرد. محدودیت بعــدی، تمرکز بر یک منطقه جغرافیایی خاص بود، هر چند تلاش شــد تا با تنوع سن، نوع شغل، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و... این محدودیت کمرنگتر شــود اما پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر برای فاصله‌گیری از قیود فرهنگی در سایر مناطق جغرافیایی نیز اجرا شود.

پیشنهادها: یافته‌های حاصل از این مطالعه کیفی با شناسایی عوامل مثبت و منفی موثر بر بعد فرزندان در عملکرد خانواده زوج‌های شــاغل می‌تواند زمینه را برای تدوین برنامه‌ها و بسته‌های آموزشی جهت کاهش عوارض آســیب‌های فرزند پروری این نوع ســبک زندگی مهیا کند. از طرف دیگر مهارت‌های والدینی برای زوج‌های شاغل به معنی تمام مدت کنار فرزند بودن و کناره‌گیری از شغل نیست، بلکه به معنای برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی مناسب برای استفاده از فرصت‌های موجود و پیشگیری از خطرات متنوعی اســت کــه فرزندان آنان را تهدید می‌کند. پیشــنهاد می‌شود یافته‌های این مطالعه کیفی توسط مددکاران اجتماعی، مشاوران و روانپزشــکانی که با زوج‌های شاغل سر و کار دارند، جهت پیشگیری و آموزش مورد اســتفاده قرار گیرد. انجام پژوهش‌های مشــابه با مطالعه حاضر می‌تواند اثر نگرش پژوهشگران را در جهت‌دهی به مصاحبه‌های انجام گرفته و تحلیل داده‌ها مشخص نموده و نتایج قابل اطمینانتری به بار آورد. همچنین پژوهش حاضر در بخش کیفی، فقط تجارب زیســته والدین شــاغل را در مورد فرزندان مرور کرد، اما نتایج نشان داد علاوه بر والدین، گروه فرزندان نیز در معرض آســیب‌ها و چالش‌های برآمده از این نوع ســبک زندگی هستند. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علوم خانواده، تجارب زیســته فرزندان خانواده‌های دوشغله را نیز مرور کــرده و از آن طریق، ســبک زندگی این گونــه خانواده‌ها را از دریچه چشم فرزندان نیز بنگرند.

سپاسگزاری: بدین وسیله از تمام زوج‌های شاغلی که در انجام این پژوهــش ما را یاری نموده و صادقانه و خالصانه تجارب زیســته خود را پیرامون موضوع مورد مطالعه با ما در میان گذاشتند، قدردانی می‌نماییم.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

منابع

References:

1. Adams BN. Families and family study in international perspective. Journal of Marriage and Family. 2004 Dec;66(5):1076-88.
2. Arthur MB, Parker P. Giving voice to the dual-career couple. British Journal of Guidance & Counselling. 2004 Feb 1;32(1):3-23.
3. Tiwari, A. (2016). Dual career couples and their work life balance. International Journal of Human Resource & Industrial Research,2016; 3(3), 49-55.
4. Rantanen K, Eriksson K, Nieminen P. Social competence in children with epilepsy-a review. Epilepsy & Behavior. 2012 Jul 1;24(3):295-303.
5. Joseph S, Inbanathan A. A sociological review of marital quality among working couples in bangalore city. Institute for Social and Economic Change; 2016.
6. Kalliath P, Kalliath T, Singh V. When work intersects family: A qualitative exploration of the experiences of dual earner couples in India. South Asian Journal of Management. 2011 Jan 1;18(1):37-59.
7. Abele AE. Dual-career couples: Specific challenges for work-life integration. In creating balance? Springer, Berlin, Heidelberg. Volmer J, 2011 (pp. 173-189).
8. Anwar J, Hasnu SA, Janjua SY. Work-life balance: What organizations should do to create balance? World Applied Sciences Journal. 2013;24(10):1348-54.
9. Nazari A. Principles of couple therapy and family therapy. 2017; Tehran: Nashr Elm. [Persian].
10. Eshaghi M, Mohebi S, Papynezhad S, Jahandar Z. Childbearing challenges for working women; A qualitative study. Women in Development & Politics, 2014; 12(1): 111-134. [Persian].
11. Hajizadeh Bandeghara, F., Jannesari, S., Ozgoli, G., Nasiri, M. Positive effect of woman's empowerment on childbearing: More children in working woman. The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility, 2016; 19(37): 51-61. [Persian].
12. Hejazi SN. Women's attitude to having second child and factors effecting on it. Journal of Health System Research. 2013Oct.7 [cited 2019 Dec.6];9(7):771-8. [Persian].
13. Kaur G, Kumar R. Organisational work pressure rings a "time-out" alarm for children: A dual-career couple's study. Asian Journal of Management Research. 2014;4(3):583-96.
14. Sudarshan RM, Bhattacharya S. Through the magnifying glass: Women's work and labour force participation in urban Delhi. Economic and Political Weekly. 2009 Nov 28:59-66.
15. Madhavi C, Vimala B. A study on work related stress and work family issues experienced by women software professionals in Chennai. Third International Conference on Information and Financial Engineering (IPEDR) 2011 (Vol. 12).
16. Bradbury TN, Fincham FD, Beach SR. Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. Journal of Marriage and Family. 2000 Nov;62(4):964-80.
17. Bradbury TN, Karney BR. Longitudinal study of marital interaction and dysfunction: Review and analysis. Clinical Psychology Review. 1993 Jan 1;13(1):15-27.
18. Bianchi SM. Maternal employment and time with children: Dramatic change or surprising continuity? Demography. 2000 Nov 1;37(4):401-14.
19. Heidari, A., Dehghani, H. The qualitative assessment of married women Teachersâ family- work conflict and its management in Delvar city. Journal of Applied Sociology, 2016; 27(3): 15-40. [Persian].
20. Aflatoonian B, Alam M, Purnajib TM, Mohamadzadeh M. Evaluation and comparison of behavior problems of seven to nine-year-old children based on working mothers and housewives in Kerman. Journal of Health and Development. 2014;3(2):94-104. [Persian].
21. Brown JE, Broom DH, Nicholson JM, Bittman M. Do working mothers raise couch potato kids? Maternal employment and children's lifestyle behaviours and weight in early childhood. Social Science & Medicine. 2010 Jun 1;70(11):1816-24.
22. Craig L, Bittman M. The incremental time costs of children: An analysis of children's impact on adult time use in Australia. Feminist Economics. 2008 Apr 1;14(2):59-88.
23. Singh T, Singh A, Singh P. Relationship of stress and job satisfaction: A comparative study of male & female of dual career teacher couples of India. IIM Bangalore Research Paper. 2007 Jul 30(263).
24. Henry J, Parthasarathy R. The family and work connect: A case for relationship-focused family life

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]

education. Indian Journal of Occupational and Environmental Medicine. 2010 Jan;14(1):13.
25. Hoffman LW. The effects of the mother's employment on the family and the child. Parenthood in America. In proceedings of the conference held in Madison, Wiscons, in 1998 Apr (pp. 19-21).
26. Taghavi, N., Mohammadi, Gh. The study of women's employment outside the home on family relationships. Iranian Journal of Social Sciences Studies, 2014; 11(3): 1-16. [Persian].
27. Babaei Fard, A. The study of effects of women's employment on family and social relationships among women working in Aran & Bidgol. Women in Development & Politics, 2013; 11(3): 427-451. [Persian].
28. Huston AC, Rosenkrantz Aronson S. Mothers' time with infant and time in employment as predictors of mother–child relationships and children's early development. Child Development. 2005 Mar;76(2):467-82.
29. McWayne CM, Owsianik M, Green LE, Fantuzzo JW. Parenting behaviors and preschool children's social and emotional skills: A question of the consequential validity of traditional parenting constructs for low-income African Americans. Early Childhood Research Quarterly. 2008 Apr 1;23(2):173-92.
30. Jackson AP, Bentler PM, Franke TM. Employment and parenting among current and former welfare recipients. Journal of Social Service Research. 2007 Feb 20;33(2):13-25.
31. Huston, A. C. Sex typing. In P. H. Mussen & E. M. Hetherington (Eds.), Handbook of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development (4th ed.). New York: Wiley. 1983.
32. Ahmadi Faraz M, Abedi HA, Azarbarzin M. The experiences of employed women related to their maternal role: A phenomenological qualitative research. Journal of Qualitative Research in Health Sciences 2014; 3(2): 137-48. [Persian].
33. Kardavani, R. Mothers' experiences of childcare policy in Iran: A phenomenological study. Women in Development & Politics, 2019; 17(1): 121-145. [Persian].
34. Conger RD, Conger KJ, Elder GH, Lorenz FO, Simons RL, Whitbeck LB. Family economic stress and adjustment of early adolescent girls. Developmental Psychology. 1993 Mar;29(2):206.
35. Kitzmann KM. Effects of marital conflict on subsequent triadic family interactions and parenting. Developmental Psychology. 2000 Jan;36(1):3.
36.Tein JY, Sandler IN, Zautra AJ. Stressful life events, psychological distress, coping, and parenting of divorced mothers: A longitudinal study. Journal of Family Psychology. 2000 Mar;14(1):27.
37. Fosco GM, Grych JH. Adolescent triangulation into parental conflicts: Longitudinal implications for appraisals and adolescent-parent relations. Journal of Marriage and Family. 2010 Apr;72(2):254-66.
38. Morgan DL, Ataie J, Carder P, Hoffman K. Introducing dyadic interviews as a method for collecting qualitative data. Qualitative Health Research. 2013 Sep;23(9):1276-84.
39. Seidman I. Interviewing as qualitative research: A guide for researchers in education and the social sciences. Teachers College Press; 2006.
40. Diekelmann NL, Allen D, Tanner CA. The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis. New York: National League for Nursing; 1989.
41. Guba EG, Lincoln YS. Fourth generation evaluation. Sage; 1989.
42. Dennerstein, L., Astbury, J. & Morrow, M. "Teaching women health", The Eleventh Commonewealth Health Ministers Meeting, 7- 11, December 1995, Cape Town, South Africa.
43.Ostberg M, Hagekull B. A structural modeling approach to the understanding of parenting stress. Journal of Clinical Child Psychology. 2000 Nov 1;29(4):615-25.
44.Neece CL, Green SA, Baker BL. Parenting stress and child behavior problems: A transactional relationship across time. American Journal on Intellectual and Developmental Disabilities. 2012 Jan;117(1):48-66.
45. Creasey GL, Jarvis PA. Relationships between parenting stress and developmental functioning among two-year-olds. Infant Behavior and Development. 1994 Oct 1;17(4):423-9.
46. Daniel SS, Grzywacz JG, Leerkes E, Tucker J, Han WJ. Nonstandard maternal work schedules during infancy: Implications for children's early behavior problems. Infant Behavior and Development. 2009 Apr 1;32(2):195-207.
47. McGinnity F, Russell H. Gender inequalities in time use the distribution of caring, housework and employment among women and men in Ireland. Dublin: The Equality Authority; 2008.
48. Choi JH. Family stress, coping strategy, and job satisfaction in dual-earner couples-comparison of husband and wife in dual-earner couples. Journal of the Korean Home Economics Association. 2005;43(10):55-68.

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-31]

DOR: 20.1001.1.1735451.1399.9.2.4.9]